دوفصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی
جستارهای اقتصادی ایران
س۱۱، ش۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
صفحات ۱۵۵-۱۸۵

Biquarterly Journal
of
Iran's Economic Essays
Vol.11, No.22, Autumn & Winter 2014-2015

ارزیابی اثر بازارهای مالی بر بازار قرض‌الحسنه در ایران

مرتضی عزتی*

چکیده

بررسی کردارهای اقتصادی خداپسندانه و عوامل مؤثر بر آنها، یکی از نیازهای سیاست‌گذاری اقتصادی در جامعه برای گسترش این کردارهاست. در این مقاله کوشش می‌شود تا اثر بازارهای مالی و انفاق در جایگاه جانشین یا مکمل، اثر درآمد، سن و نهادها و سرمایه دینی در جایگاه عوامل پشتیبان و اثر بازار مسکن در جایگاه مانع کردار خداپسندانه بر روی اندازه بازار قرض‌الحسنه در کشور ارزیابی شود. داده‌های استانی برای سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ گردآوری شده و مدل پنل دیتا با روش اقتصادسنجی برای برآورد اثر این متغیرها به کار گرفته شده است. اصلی‌ترین نتیجه مقاله آن است که بازارهای مالی همچنان‌که برای دیگر بخش‌های اقتصاد تسهیل‌کننده هستند، در بازار قرض‌الحسنه نیز تسهیل‌کننده هستند و موجب گسترش آن می‌شوند. انفاق جانشین قرض‌الحسنه نیست، درآمد، سن و نهادها و سرمایه‌های دینی اثر مثبت بر گسترش قرض‌الحسنه دارند و افزایش قیمت مسکن، فعالیت‌های قرض‌الحسنه را کاهش می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: بازارهای مالی، قرض‌الحسنه، انفاق، دین.
طبقه‌بندی JEL: D53، E44 ،Z12.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار دانشگاه تربیت مدرس
Email: mezzati@modares.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۴/۳

۱. مقدمه

اقتصاد دارای چهار بازار اصلی یعنی بازار کار، کالا، بانکی (پول) و سرمایه است. بازارهـای کـار و کالا در بخش واقعی اقتصاد جای می‌گیرند و بازار پول و سرمایه بخش مالی اقتصاد هستند. بر ایـن اساس به این دو بازار، بازارهای مالی نیز گفته می‌شود. بخش مـالی در برگیرنـده بازارهـا، نهادهـا و ابزارهای مالی است که در برخی دیدگاه‌ها تسهیل‌کننده فعالیت بخـش واقعـی اقتصـاد و در برخـی دیدگاه‌ها، راهبر بخش واقعی اقتصاد است. بر اساس این دیدگاه‌ها، بخش مالی اقتصاد می‌تواند بـر بخش‌های واقعی اثر بگذارد و آنها را به سوی بهبود یا نابسامانی هدایت کند. نظریه‌هـایی از سـوی دانشمندان درباره تأثیر بازارهای مالی بر متغیرها و فعالیت‌های اقتصادی ارائه شـده اسـت. کـارکرد نهادهـا و بنگـاه‌هـای اقتصـادی کـه در بخـش مـالی هسـتند نیـز مـی‌توانـد از بازارهـای مـالی و زیربخش‌های آن تأثیر بگیرد.

از سوی دیگر فعالیت‌ها در بازارهای مالی و دیگر بازارها می‌توانند در اثر گسترش خدماتی کـه بازارهای مالی به آنها می‌دهند، بهبود یابند. بخشی از فعالیت‌های انسان و بنگاه، مالی است کـه بـا هدف به دست آوردن رضایت و پاداش خدا و برای جهان پس از مرگ انجام می‌شود. این فعالیت‌ها نیز می‌تواند از خدمات بازار مالی اثر بگیرد. در این مقاله اثر گسترش بازارهای مالی بـر بخشـی از رفتارهای اقتصادی ارزیابی می‌شود، رفتارهایی کـه مـی‌تواننـد هـدف خـدایی داشـته باشـند. دادن قرض‌الحسنه بخشی از رفتارهای اقتصادی است که از دیدگاه اسلامی مـی‌توانـد بـا هـدف کسـب رضایت و پاداش خدا و برای جهان پس از مرگ انجام شود. چنانچه بخش مـالی خـدمات بهتـری برای مصرف، تولید یا انجام هزینه فراهم کند، این بخش نیـز مـی‌توانـد در ایـن چـارچوب از ایـن خدمات بهره‌مند شود و اثر بپذیرد.

۲. ادبیات نظری

در ادبیات نظری و بررسی‌های تجربی در زمینه تأثیر بخش مالی، دیدگاه‌های گسترده‌ای وجود دارد. بخشی از دیدگاه‌ها در مورد ارتباط بخش مـالی بـا تولیـد و رشـد کـل اقتصـاد اسـت. دسـته‌ای از دیدگاه‌ها رابطه میان بخش مالی و بخش‌های اقتصادی دیگر را بررسی کرده‌اند. دیدگاه‌های دیگـری هم رابطه میان زیربخش‌های مالی با یکدیگر را بررسی کرده و دربـاره آن نظریـه داده‌انـد. در ادامـه پیشینه موضوع از دیدگاه‌های یادشده بررسی می‌شود.

۲ــ۱. اثر توسعه بازارهای مالی بر رشد اقتصادی

از زمانی که بازارهای مالی در اقتصاد توسعه یافتند (نیمه دوم سده نوزدهم) دیدگاه‌هایی درباره رابطه بازارهای مالی با تولید و رشد اقتصادی ارائه شده است. می‌توان دیدگاه نخستین را از ریکاردو دانست که کمبود سرمایه و زمین را عامل اصلی تولید دانسته است. با این توضیح که چنانچه بخش‌های مالی عامل سرمایه را فراهم کنند، می‌توانند رشد تولید را به ارمغان بیاورند. امّا در دوره ریکاردو بازارهای مالی چندان گسترش نیافته بودند و لذا دیدگاه‌های او به بخش‌های مالی توسعه نیافت. افزون بر ریکاردو اقتصاددانان دیگر مانند اسمیت (۱۷۷۶) و بنتام (۱۷۷۸) واسطه‌های مالی را در اقتصاد مهم می‌دانستند. با گسترش بازار مالی در نیمه دوم سده ۱۸۰۰ میلادی برخی از اقتصاددانان مانند شومپیتر (۱۹۱۲) بر تأثیر چگونگی تأمین نیاز مالی بر افزایش تولید و رشد اقتصادی پافشاری کردند. با توسعه بیشتر بازارهای مالی و روشن‌تر شدن نقش این بازارها در فعالیت‌های اقتصادی، اقتصاددانان بیشتری به این موضوع پرداختند و نظریه‌های گسترده‌تری به‌ویژه درباره اثرگذاری بازارهای مالی و در پی آن بخش مالی اقتصاد بر رشد اقتصادی ارائه شد. در گام‌های نخستین ارائه این دیدگاه‌ها، برخی اقتصاددانان مانند مودیگلیانی (۱۹۵۸) روش تأمین مالی بنگاه‌ها را در رشد اقتصاد مؤثر نمی‌دانستند یا مانند لوکاس (۱۹۸۸) اثر بخش مالی بر اقتصاد را بسیار کم‌رنگ می‌دانستند.

با گسترش بیشتر بازارهای مالی و مهم‌تر شدن بخش مالی در اقتصاد، دیدگاه‌های جدیدتری درباره رابطه بخش مالی یا بخش‌های واقعی اقتصاد ارائه شد. پاتریک (۱۹۶۶) چارچوبی نظری در این زمینه ارائه می‌دهد و می‌گوید در گام‌های نخستین رشد اقتصادی، گسترش بخش مالی، رشد اقتصادی را فراهم می‌کند؛ ولی در گام‌های تولید بالاتر، رشد اقتصادی است که تقاضا برای توسعه و گسترش بازارهای مالی را ایجاد می‌کند. می‌توان گفت این نخستین چارچوب نظری منسجم در این زمینه است. بر این پایه پاتریک دو گونه رابطه میان بخش مالی و رشد اقتصادی (تولید) را تبیین می‌کند.

۲ــ۲. رابطه توسعه زیربخش‌های مالی با یکدیگر

دسته دیگر از بررسی‌ها به اثر زیربخش‌های مالی بر هم پرداخته‌اند. در این زمینه و چگونگی رابطه میان زیربخش‌های مالی نیز دیدگاه‌های ناهمسانی وجود دارد. در برخی دیدگاه‌ها زیربخش‌ها، مکمل یکدیگر معرفی شده‌اند؛ در نظریه‌های دیگری نیز بازارهای بانکی و سرمایه جانشین هم دیده شده‌اند؛ در یک دیدگاه دیگر آنها رقیب هم خوانده شده‌اند؛ در برخی از دیدگاه‌ها، بخشی از بازارهای مالی فراهم‌کننده فضاها و تسهیلات برای بخش‌های دیگر دانسته شده‌اند.

گستره تأثیر زیربخش‌های مالی بر یکدیگر به‌ویژه بر قرض‌الحسنه، دربرگیرندهٔ آثار مثبت و

منفی است. مهم‌ترین آثار مثبت و منفی توسعه بازارهای مالی یا زیربخش‌های مالی بر زیربخش مالی قرض‌الحسنه، در چارچوب زیر خلاصه می‌شود. پیش از آن دوباره بخش‌های مالی اسلامی یادآوری می‌گردد. می‌توان بخش‌های مالی اسلامی را که برای به دست آوردن پاداش خدا و برای جهان پس از مرگ کار می‌کنند به‌ویژه در قرض‌الحسنه و انفاق کوتاه کرد. قرض‌الحسنه دربرگیرندهٔ حساب‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های قرض‌الحسنه، اوراق بهادار قرض‌الحسنه و قرض‌الحسنه‌های غیررسمی (پرداخت‌های مردم به یکدیگر) می‌باشد. انفاق نیز مانند اینها در چارچوب انفاق از راه نهادهای رسمی مانند کمیته امداد، بهزیستی، مؤسسه‌های خیریه دیگر و یا انفاق مردم به یکدیگر است.

- گسترش بازارهای مالی، رقابت درون و میان این بازارها را افزایش می‌دهد و این رقابت، قیمت خدمات آنها را کاهش می‌دهد. کاهش قیمت خدمات، شرایط کارایی بیشتر و کارکرد بهتر را فراهم می‌کند که تقاضاکنندگان خدمات مالی نیز از این بهبود بهره‌مند می‌شوند. تقاضا می‌تواند برای به‌کارگیری در زیربخش‌های مالی اسلامی مانند قرض‌الحسنه باشد که موجب گسترش این زیربخش می‌شود؛
- گسترش خدمات و محصولات بازارهای مالی موجب افزایش توان انتخاب سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان می‌شود و از این راه به کارایی بیشتر خدمات این بازارها برای تقاضاکنندگان آنها کمک می‌کند. در نتیجه آن می‌تواند موجب افزایش پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش امکان استفاده از وام‌های بانکی و مانند اینها شود که اینها می‌توانند پس‌انداز قرض‌الحسنه، سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالی اسلامی و مانند اینها باشد. همچنین چنانچه مصرف‌کنندگان بخواهند این وام‌ها را در راه‌هایی که در بازارهای مالی است –مانند دریافت این وام‌ها برای یاری دیگران از راه انفاق یا قرض دادن– به کار بگیرند، این بازارهای مالی توسعه می‌یابند. همچنین این گسترش بازارهای بانکی محدودیت‌های نقدینگی را کاهش می‌دهد و امکان دسترسی بیشتر سرمایه‌گذاران را به وام‌های مالی فراهم می‌کند. چنانچه سرمایه‌گذاران در زیربخش‌های مالی فعالیت کنند، موجب افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مالی و گسترش بخش مالی می‌شوند که بخشی از آن می‌تواند در زمینه قرض‌الحسنه و ابزارهای آن باشد. افزایش ابزارهای مالی می‌تواند در بخش‌های اسلامی مانند قرض‌الحسنه و انفاق نیز شکل بگیرد؛ مانند سازمان‌ها، حساب‌ها، بانک‌ها و برگه‌های بهادار قرض‌الحسنه و انفاق. گسترش ابزارها می‌تواند موجب افزایش سرمایه‌گذاری و هزینه‌کرد مردم در قرض‌الحسنه و انفاق باشد که موجب گسترش این بخش می‌شود؛

- گسترش بازارهای مالی شفافیت را افزایش و هزینه‌های دسترسی به اطلاعات را کاهش می‌دهد که این دسترسی به اطلاعات و بهبود شفافیت می‌تواند برای همه بنگاه‌ها مانند بنگاه‌های مالی و سرمایه‌گذاران در این بنگاه‌ها نیز باشد. از این‌رو بهره‌وری در این بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد، کمیجانی و پوررستمی نیز معتقدند افزایش بهره‌وری در نهادهای مالی اسلامی مانند قرض‌الحسنه نیز می‌تواند همین اثر را بر آنها داشته باشد (۱۳۸۷، ص۳۴)؛
- گسترش بازارهای مالی، جریان‌های مالی خارجی را با بازارهای مالی داخلی پیوند می‌دهد و این جریان‌ها می‌تواند جریان‌های مثبت مالی باشد که توسعه مالی در کشور را افزایش می‌دهد. توسعه مالی درون کشور می‌تواند در زیربخش‌هایی مانند قرض‌الحسنه و انفاق هم شکل بگیرد. در برابر این، گسترش ارتباط بازارهای مالی درون و بیرون کشور، چنانچه کارایی و بازده بازارهای بیرونی بیشتر باشد، می‌تواند جریان‌های مالی به سوی بیرون را ایجاد کند. این جریان‌ها، بازارهای مالی داخلی را ضعیف می‌کند که از این بازارها، بازارهای مالی اسلامی قرض‌الحسنه و انفاق هستند؛
- گسترش بازارهای مالی، ورود رقیب به بازار را بیشتر می‌کند و این رقیب‌ها می‌توانند بخشی از تقاضای بازارهای پیشین را به سوی خود بکشانند و فعالیت رقیبان را کاهش دهند. مانند اینکه گسترش بانک‌ها یا ابزارهای مالی سود ده، موجب کاهش هزینه و بهبود دسترسی به آنها و همچنین افزایش بازدهی آنها می‌شود، در نتیجه کسانی را از بازار قرض‌الحسنه بیرون و این بازارها را ضعیف می‌کند؛
- بخشی از مردم پس‌اندازهای احتیاطی خود را در حساب‌ها یا مؤسسه‌های قرض‌الحسنه نگهداری می‌کنند. گسترش بازارهای مالی که افزایش دهنده دسترسی به وام در صورت نیاز می‌شود، پس‌اندازهای احتیاطی را کاهش می‌دهد که می‌تواند پس‌اندازهای به کار رفته در قرض‌الحسنه باشد. در برابر این، مردم پس‌اندازهای احتیاطی را در راه‌های دیگر مانند مصرف یا سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی، انفاق و قرض دادن به دیگران، هزینه می‌کنند؛
- گسترش بازارهای مالی، وام‌های مصرفی را افزایش می‌دهد و افزایش این وام‌ها موجب بدهکار شدن مصرف‌کنندگان می‌شود و این بدهکاری آنها را به بازپرداخت آن در دوره‌های دیگر ملزم می‌کند. مردم برای بازپرداخت، می‌توانند خود دچار کمبود منابع شوند و امکان انفاق و قرض‌الحسنه (به علت نیاز خودشان) را کمتر داشته باشند؛
- گسترش بازارهای مالی سوداگرانه مانند بازار مسکن و قیمت‌های آن می‌تواند، دو اثر منفی بر بازارهای مالی خوب بگذارد. یکی اینکه در بازارهای مالی سوداگرانه سود بیشتر است و سود بیشتر می‌تواند سرمایه‌ها را از بازارهای مالی غیرسوداگرانه به سوی بازارهای سوداگرانه ببرد؛

در نتیجه توسعه مالی کاهش بیابد. همچنین این کاهش توسعه می‌تواند در زمینه بازارهای قرض‌الحسنه نیز باشد. از سوی دیگر گسترش این بازارهای سوداگرانه هزینه‌های مردم را افزایش می‌دهد و افزایش هزینه‌ها، فشار مالی به مردم را افزایش می‌دهد و این افزایش می‌تواند توان مردم برای مشارکت در کارهای خیر مانند دادن قرض‌الحسنه و انفاق را کاهش دهد. پیامد آن می‌تواند رکود بازار قرض‌الحسنه باشد.

۲ـ۳. رویکرد اسلامی

انفاق یک هزینه سفارش شده از سوی دین است. دین برای ساختن انسان‌ها سفارش به انفاق کرده است. در جایی پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: من برای کامل کردن اخلاق برتر برانگیخته شده‌ام (نوری طبرسی، ۱۳۶۶، ج۱۱، ح۱۲۷۰۱) و در جای دیگر می‌فرماید: برای جمع کردن مال برانگیخته نشده‌ام، برای انفاق برانگیخته شده‌ام (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج۱۰، ص۵) و در جاهای بسیاری به پاداش اخروی انفاق و سفارش‌های دین برای آن پرداخته‌اند. در مفهوم کلی هرگونه هزینه کردن مال (و غیرمال) در راه‌هایی که خدا گفته است، انفاق نامیده می‌شود. قرض‌الحسنه نیز یک نوع انفاق است. از دیدگاه نیت، همه انفاق‌ها یکی هستند؛ اما از دیدگاه اثر آن برای جامعه و فرد می‌توانند یکسان نباشند. مسلمانان به علت این سفارش‌ها و باور به پاداش خدا برای قرض‌الحسنه، کوشش می‌کنند از این راه برای به دست آوردن رضایت خدا و تأمین زندگی پس از مرگ بهره‌مند شوند. در برخی روایت‌ها پاداش قرض‌الحسنه بسیار بیشتر از پرداخت بلاعوض دانسته شده است. پاداشی که خداوند به انسان‌ها می‌دهد، انگیزه‌ای است که خدا برای حرکت تکاملی انسان‌ها فراهم کرده است. بر این پایه پرداخت‌های انسان‌ها در راه خدا، هزینه‌هایی برخاسته از ایمان دینی است. در بررسی این مقاله فرض بر این است که قرض در جایگاه یک هزینه در راه خدا و با هدف دستیابی به رضایت خاطر زندگی پس از مرگ شکل می‌گیرد. بر این اساس همچنین فرض بر این است که مردم ایران مسلمان هستند و کوشش برای تخصیص پول خود به قرض‌الحسنه را بر پایه دین انجام می‌دهند و در برابر آن انتظار به دست آوردن پاداش از سوی خدا برای زندگی پس از مرگ و نیز برای زندگی این جهانی دارند. از این‌رو کارهای دیگری (مانند صدقه و دیگر راه‌های انفاق) که می‌تواند پاداش خدا برای زندگی پس از مرگ (و این جهان) را فراهم آورد، می‌تواند جانشین هزینه قرض‌الحسنه دیده شود. یعنی اگر کسی بتواند از راه دیگری این پاداش را به دست آورد ممکن است آن راه را جایگزین انفاق کند. چون هدف او کسب رضایت خداست، عقلانیت حکم می‌کند که با هر راه بهتری که بتواند آن را به دست آورد آن راه را برگزیند.

از نگاه دینی هزینه در راه خدا می‌تواند بسیار گوناگون باشد، مانند انفاق با مال، زمان، کار و

سخن. پیامبرﷺ در این زمینه می‌فرمایند هر کار نیکی صدقه است و هرچه مسلمان بـرای خـود و کسان خود هزینه کند، برابر آن برای او صدقه می‌نویسند و هر کاری که مسلمان با آن آبروی خود را نگهدارد، برابر آن برایش صدقه می‌نویسند (نهج‌الفصاحه، ح۲۱۷۳). در اینکه از دیـدگاه اسـلامی هزینه‌ها و فعالیت‌های گوناگون می‌تواند هزینه در راه خـدا دانسـته شـود، شـکی نیسـت و سـخنان بسیاری از پیامبر و امامان در این زمینه موجود است.[۱] همچنین بسیاری از هزینه‌های مردم اگـر بـا نیت الهی انجام شود می‌تواند پاداش خدا را دربرداشته باشد.

در این زمینه دو نکته مهم است؛ یکی اینکه اگر همه هزینه‌ها و فعالیت‌های مردم بـرای خـود و دیگران هزینه در راه خدا دانسته شود، هم معنای آن بسیار گسترده است و هم باید نیـت‌هـای مـردم ملاحظه شود که سـنجش آن دشـوار اسـت. دیگـر اینکـه بسـیاری از مـردم فـارغ از ایمـان دینـی، هزینه‌هایی مانند هزینه زندگی خود و کسان خود را انجام می‌دهنـد و از نگـاه دینـی ایـن هزینـه‌ها، پاداش خدایی ندارد. کسانی که ایمان دینی ندارند کمتر با هدف به دست آوردن رضایت خدا بـرای دیگران هزینه می‌کنند. بر این اساس ما همان‌طورکـه ایـن مفهـوم کلـی را بـرای هزینـه در راه خـدا پذیرفته‌ایم، هزینه برای خود و کسان خود را از هزینه در راه خدا به دیگـران و نیـز انفـاق از راه‌هـای دیگر جدا کرده‌ایم. چون هزینه برای دیگران در راه خدا روشن و واضح است. برای بررسی خـود دو هزینه انفاق مالی به دیگران و قرض‌الحسنه جدا شده است و این دو در متغیر جایگزین هزینه در راه الهی برای به دست آوردن رضایت خدا آورده و وارد تحلیل شده است.

همچنین بر اساس این دیدگاه، ایمان دینی موجب می‌شود مردم برای به دسـت آوردن رضـایت خاطر خدایی از راه‌های گوناگون کوشش کنند و فعالیت‌های گوناگون را برای بـه دسـت آوردن ایـن رضایت انجام دهند.[۲] همچنین اگر یک کار را نتوانند انجام دهند، کار دیگر بـرای بـه دسـت آوردن پاداش، جایگزین آن می‌شود. همچنین اگر ایمان زیاد باشد هر کاری بتوانند انجام می‌دهند. چـون این کارها تابع ایمان آنهاست، کوشش می‌شود متغیری که نشان دهنده رسوخ دین در جامعه اسـت هم وارد مدل شود.

در یک نگاه نظری، فعالیت‌های گوناگون دینی، برای به دست آوردن رضایت خدایی، جایگزین هم هستند و انسان بر پایه ایمان خود بیشتر یا کمتر به دنبال به دست آوردن این رضایت اسـت و بـا پایداری دیگر شرایط، اگر اندازه پاداش انتظاری او از یک راه بهتر فراهم شود، ایـن راه را جـایگزین راه‌های دیگر خواهد کرد. نگاهی به ادبیات تخصیص درآمد مسلمان نشان می‌دهد که عوامل مـؤثر بر انفاق (هزینه‌های دینی) مسلمان به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. برای نمونه نگاه کنید به: مصلایی پوریزدی (۱۳۹۰). ۲. برای نمونه و توضیح بیشتر نگاه کنید به: عزتی (۱۳۸۲).

۱. عوامل مؤثر مستقیم که غیردستوری بر تخصیص درآمد اثر می‌گذارند؛ مانند ایمان، نیاز، درآمد، تبلیغات، قیمت، سلیقه و مانند اینها؛

۲. دیگر هزینه‌ها: مصرفی (دربرگیرنده همه هزینه‌هایی که برای زندگی، شایسته یا بایسته است)، مشارکت همگانی (مانند واجب مالی، انفاق و وقف) و هزینه‌های سرمایه‌گذاری؛

۳. حکم‌های دینی بازدارنده مانند حرمت ربا، کنز، اتلاف، اسراف، خوردن مال دیگران و مانند اینها؛

۴. ویژگی‌ها و متغیرهای محیط اقتصادی و اجتماعی.

در این بررسی برخی از متغیرهای اصلی، جانشین و محیطی در تحلیل آورده شده است تا اثر اینها در کنار هم دیده شود؛ از این‌رو مقاله حاضر در نوع خود ویژه است.

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه تأثیر بخش‌های مالی نیز مطالعات تجربی گسترده‌ای دیده می‌شود. بخشی از دیدگاه‌ها در زمینه اثر بخش‌های مالی بر تولید و رشد کل اقتصاد است. دسته‌ای از دیدگاه‌ها نیز رابطه میان بخش‌های مالی و برخی دیگر از بخش‌های اقتصادی را مشخص کرده‌اند. گروهی از این دیدگاه‌ها هم رابطه میان زیربخش‌های مالی با یکدیگر را بررسی کرده‌اند و درباره آن نظریه داده‌اند. برای روشن‌تر شدن اینها، نگاه کوتاهی به پیشینه موضوع از دیدگاه‌های یادشده می‌شود.

۳ــ۱. پیشینه اثر توسعه بازارهای مالی بر رشد اقتصادی

اقتصاددانان در زمینه اثر بخش‌های مالی بر تولید و رشد کل اقتصاد بررسی‌های تجربی گسترده‌ای انجام داده‌اند که با افزایش این تحلیل‌ها، از سوی کسانی همچون هیکس (۱۹۶۹)، مک کینون (۱۹۷۳)، شاو (۱۹۷۳)، کینگ و لوین (۱۹۹۳)، لوین و زروس (۱۹۹۶) و لوین (۱۹۷۷)، دیدگاه‌های همسو با دیدگاه اثرگذاری بخش مالی بر رشد اقتصادی قوت گرفته و از سوی اقتصاددانان بیشتر پذیرفته شده و با آمدن این دیدگاه‌ها، نظریه‌ها در این زمینه تبیین بهتری یافته و اقتصاددانان اثر بازارهای مالی بر تولید را در چارچوب‌های گوناگون روشن کرده‌اند. می‌توان محورهای اصلی این نظریه‌ها را در چارچوب زیر نشان داد:

۱. توسعه بازارهای مالی، پس‌انداز را آسان می‌کند و با افزایش آن، تجهیز منابع را برای سرمایه‌گذاری بهبود می‌بخشد؛

۲. توسعه بازارهای مالی هزینه‌های تشکیل و تجهیز سرمایه را کاهش و در نتیجه بهره‌وری و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد؛

۳. توسعه بازارهای مالی هزینه‌های مبادله را کاهش، رقابت و شفافیت در بازارهای مالی و به دنبال آن دیگر بازارهای مرتبط را افزایش می‌دهد که کارایی این بخش را برای تولید افزایش می‌دهد؛

۴. توسعه بازارهای مالی تسهیلات بهتر را برای مصرف‌کننده و افزایش توان تصمیم‌گیری و در پی آن افزایش رفاه را برای جامعه فراهم می‌کند؛

۵. توسعه مالی امکانات مالی بیشتری را فراهم می‌کند و دسترسی همگانی بیشتری را به بازارهای مالی فراهم می‌کند. در نتیجه توزیع درآمد بهتر و فقر کمتر می‌شود.

با اینکه تبیین‌ها درباره اثر بازارهای مالی نزدیک به هم است؛ ولی بررسی‌های تجربی، به فرضیه‌های اثرگذاری بخش مالی بر رشد اقتصادی، پاسخ یکسان نداده‌اند. برخی از بررسی‌ها مانند گلد اسمیت (۱۹۵۷)، جانک (۱۹۸۶)، استرن (۱۹۸۹) و گرتلرورز (۱۹۹۴) اثر مثبت بخش مالی بر رشد اقتصادی را تأیید نکرده‌اند. در برابر اینها، بررسی‌های دیگری مانند هیکس (۱۹۶۹)، مک کینون (۱۹۷۳)، شاو (۱۹۷۳)، کینگ ولوین (۱۹۹۳)، لوین و زروس (۱۹۹۶)، لوین (۱۹۹۷)، لوین و همکاران (۲۰۰۰)، فیز و آبما (۲۰۰۳) و آنک و مک کین (۲۰۰۷) و همچون اینها به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه مالی رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.

در ایران نیز بررسی‌هایی در این زمینه انجام شده است. برخی بررسی‌ها مانند عصاری، ناصری و آقایی (۱۳۸۷) این رابطه را رد کرده‌اند و برخی بررسی‌ها مانند کمیجانی و پوررستمی (۱۳۸۷)، مهرآرا و طلاکش نایینی (۱۳۸۸)، فخرحسینی و شهابی (۱۳۸۶)، صمدی، نصرالهی و کرمعلیان سیچانی (۱۳۸۶)، تأثیر مثبت توسعه مالی بر رشد اقتصادی را پذیرفته‌اند.

۳-۲. پیشینه بررسی اثر توسعه مالی بر دیگر متغیرها و بخش‌های اقتصادی

بررسی‌های تجربی در زمینه اثر بخش‌های مالی در موارد یادشده خلاصه نمی‌شود. این دیدگاه‌ها، اثر بخش‌های مالی را در بخش‌های گوناگون اقتصاد توسعه داده‌اند. بر اساس این دیدگاه‌ها توسعه بخش‌های مالی، فراهم‌کننده تسهیلات گوناگون مالی و سرمایه‌ای، کاهش‌دهنده هزینه‌های مبادله، افزایش‌دهنده رقابت، کارایی و بهره‌وری و مانند اینها برای همه فعالیت‌های اقتصادی هستند و از این‌رو بر بسیاری از بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی اثر می‌گذارند؛ به‌گونه‌ای‌که بیشتر این دیدگاه‌ها، اثر بخش‌های مالی بر بخش‌ها و زیربخش‌های دیگر اقتصادی را مثبت ارزیابی می‌کنند و آن را بهبود دهنده همه کسب و کارها و کل اقتصاد می‌دانند. برخی از این دیدگاه‌ها عبارتند از:

برخی از بررسی‌ها، گسترش و توسعه بازارهای مالی را رشد دهنده صنعت می‌دانند. بر اساس این دیدگاه‌ها، توسعه بازارهای مالی کاهش‌دهنده هزینه‌های تأمین مالی و تجهیز سرمایه و از سوی دیگر افزایش دهنده بهره‌وری سرمایه (به علت‌هایی که در بخش پیشین اشاره شد) هستند که پیامد

آن افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت و بخش‌های تولیدی است. در این زمینه بررسی‌های تجربی انجام شده نیز تأیید کننده این رابطه هستند. می‌توان از نمونه این بررسی‌ها، پژوهش‌های بک و لوین (۲۰۰۲)، مکسیمویچ و کیونت (۲۰۰۲)، مکسیمویک، کیونت و بک (۲۰۰۲)، آنگ مک کیبین (۲۰۰۷)، عباسی و برادران شرکا (۱۳۸۸)، جلال آبادی (۱۳۸۸) و صمدی، ترکمانی و منصوری (۱۳۹۰) را یاد کرد.

دسته دیگری از بررسی‌ها، گسترش بازارهای مالی را بهبود دهنده توزیع درآمد می‌دانند. بر اساس این بررسی‌ها، چون گسترش بازارهای مالی باعث افزایش دسترسی فقیران به منابع مالی می‌شود، امکانات فقرا را برای بهبود درآمد خود افزایش می‌دهد. همچنین توسعه مالی رشد و تولید اقتصادی را افزایش می‌دهد و از این راه نیز درآمد فقیران را بهبود می‌بخشد و فاصله درآمدها را کاهش می‌دهد. می‌توان در بررسی‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند از بررسی‌های مانوئل و بیشنکورت (۲۰۰۶)، زی چنگ لیانگ (۲۰۰۶)، بک، کیونت و لوین (۲۰۰۴)، کلارک و همکاران (۲۰۰۳)، عصاری، ناصری و آقایی (۱۳۸۸)، طیب‌نیا، زارعی و یاری (۱۳۸۹)، دهمرده و شکری (۱۳۸۹) و صامتی و سجادی (۱۳۹۱) یاد کرد.

۳-۳. پیشینه بررسی‌های قرض‌الحسنه، انفاق و سرمایه دینی

اقتصاددانان مسلمان در زمینه عوامل مؤثر بر رفتارهای اقتصادی و نیز بررسی‌های قرض‌الحسنه، پژوهش‌های گوناگونی انجام داده‌اند. پیشینه این پژوهش در این زمینه به سه بخش تقسیم می‌شود: مطالعات درباره قرض‌الحسنه، انفاق و سرمایه دینی. می‌توان بررسی‌ها در زمینه قرض‌الحسنه را در چهار گونه، دسته‌بندی کرد:

بررسی‌های فقهی-روایی دربارهٔ چیستی و دامنه قرض‌الحسنه که گستردگی بسیاری دارد و می‌توان از اینها ابراهیمی (۱۳۷۱)، حبیبیان (۱۳۸۳)، منان (۱۹۷۰) و مانند اینها را یاد کرد.

بررسی‌ها دربارهٔ گستره‌های گوناگون حساب‌ها و کارکرد سازمان‌های پرداخت‌کننده قرض‌الحسنه که بیشتر به بررسی تجربی پرداخته‌اند، مانند سهیلی و همکاران (۱۳۸۸)، صدر (۱۳۸۴)، طیبی (۱۳۸۳)، حسن‌زاده و کاظمی (۱۳۸۳)، اسلامی (۱۳۷۵) و همچون اینها.

مطالعات دربارهٔ رفتار تقاضاکنندهٔ قرض‌الحسنه که بیشتر نگاه نظری داشته‌اند که می‌توان به نوشته‌های توتونچیان (۱۹۷۷)، بن جیلالی[1] (۱۹۹۵)، اثنی‌عشری و بابایی (۱۳۸۸) و مانند اینها مراجعه کرد.

بررسی‌ها پیرامون عوامل مؤثر بر رفتار انسان‌ها و جامعه در کارهای قرض‌الحسنه (پرداخت)

1. B. Bendjilali

که بسیار اندک هستند و از آنها مقاله عزتی (۱۳۸۶) و عزتی (۱۳۸۸) در سطح خرد و ایـن نوشـتار در سطح کلان از این نوع هستند.

در زمینه سرمایهٔ دینی و اثر آن بر متغیرهای اقتصادی و فعالیت‌های جامعه و مـردم، پژوهش‌هـا گسترده نیستند. اصلی‌ترین آنها عبارتند از: عزتی و عـاقلی (۱۳۸۷) اثـر سـرمایه دینـی بـر توسـعه اقتصادی را تبیین کرده‌اند. عزتی (۱۳۸۸) با وارد کردن سـرمایه دینـی در چـارچوب تـابع مصـرف (مخارج) فردی و اجتماعی اثر آن را بر مصرف فرد و اجتماع با دیدگاه نظری تحلیـل کـرده اسـت. مهرگان و دلیری (۱۳۸۹ب) تعریف مقاله عزتی را بازگو کرده‌اند و درباره اثر سرمایه دینی بر توسـعه توضیح داده‌اند. مهرگان و دلیری (۱۳۸۹الف) چگونگی تولید سرمایه دینی از نگرش‌های اخلاقـی در جامعه و چگونگی اثر سرمایه دینی بـر شـاخص‌هـای توسـعه اقتصـادی را توضـیح مـی‌دهنـد. مهاجری (۱۳۹۰) اثر سرمایه دینی بر رشـد اقتصـادی اسـتان‌هـای کشـور را بـرآورد کـرده اسـت. صادقی، عزتی و شفیعی (۱۳۹۲) عوامل مؤثر بر انفاق و رفتار تابع انفاق را با نگـاه بـه آمـوزه‌هـای اسلامی بررسی و برآورد کرده‌اند. عزتـی و نجفـی (۱۳۹۱) در مقالـه اثـر سـرمایه دینـی و اقتصـاد دانایی‌محور بر گسترش فعالیت‌های بازار قرض‌الحسنه در ایران با برآورد اقتصادسـنجی ایـن تـابع، متغیری مانند متغیر کارهای پیشین را آورده‌اند. شهریاری (۱۳۹۱) در بررسی اثر سـرمایه دینـی بـر شاخص سلامت به برآورد اثرگذاری عامل‌هـای اقتصـادی و سـرمایه دینـی بـر شـاخص سـلامت پرداخته است. محمودیان (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود اثر سرمایه دینی بر کاهش فقر را بررسی کرده است. عزتی (۱۳۸۶) عوامل مؤثر بر به‌کارگیری پول برای به دست آوردن سود یا دادن قرض‌الحسنه در ایران را با اثر ایمان بررسی کرده است.

در زمینه انفاق نیز بررسی‌هایی انجام شده است کـه نمونـه‌هایی از آنهـا در اینجـا یـاد مـی‌شـوند. کیاءالحسینی (۱۳۸۷) نقش زکات فطره در فقرزدایی در ایران را طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۵ بررسـی کرده است. کیاءالحسینی (۱۳۸۵)، همچنین در بررسی دیگری به نقش خمس و زکات در فقرزدایی و مقایسه آن با درآمدهای مالیاتی ایران پرداخته است. موسایی و کرمی (۱۳۸۷) نقش خمس را در رفـع فقـر در شـهر شـال قـزوین بررسـی کـرده‌انـد. موسـایی (۱۳۸۷) جایگـاه انفـاق و خاسـتگاه اجتماعی-اقتصادی آن را در شهر بهبهان بررسی کرده است. سـبحانی و مهربـانی (۱۳۸۵) در مقالـه توزیع درآمد و نابرابری‌های درآمدی کوشیده‌اند تا بر عامل انفاق که از مجموعـه متغیرهـای مـؤثر بـر نابرابری درآمدهاست بپردازند. عزتی و شهریاری (۱۳۹۱) در بررسی ارزیـابی عملکـرد کمیتـه امـداد امام خمینی‌رحمه‌الله در زمینه گردآوری زکات به دنبال آن بوده‌اند تا به ارزیابی عوامل مـؤثر بـر جمـع‌آوری زکات توسط کمیته امداد بپردازند. عزتی و شفیعی (۱۳۹۱) به دنبال آن بـوده‌انـد تـا اثـر بـازار مـالی و سرمایه دینی را بر انفاق با نگاه به آموزه‌های اسلامی بـرآورد کننـد. عزتـی و نورمحمـدلو (۱۳۹۱) اثـر

بهبود و نابسامانی بازارها را بر انفاق برآورد کرده‌اند. صادقی، عزتی و شفیعی (۱۳۹۲) به دنبال آن بوده‌اند تا اثر عوامل مؤثر بر انفاق و نیز رفتار تابع انفاق را با نگاه به آموزه‌های اسلامی بررسی کنند.

۳-۴. جمع‌بندی پیشینه

بر اساس مطالب پیشین، بخش‌های مالی بر دیگر بخش‌های اقتصاد و زیربخش‌ها و همه بخش‌های مالی بر زیربخش‌های مالی اقتصاد مؤثر هستند. در اقتصاد بیشتر انتظار می‌رود توسعه بازارهای مالی، رشد تولید را به دنبال داشته باشد؛ ولی در زیربخش‌های مالی رابطه رقیب بودن و جانشینی نیز بزرگ است. بر پایه آنچه گفته شد می‌توان اثر بازارهای مالی سنتی بر بازارهای مالی اسلامی را مانند زیر خلاصه کرد. نخست آثار مثبت و سپس آثار منفی آورده می‌شود:

۱. گسترش بازارهای مالی از راه توسعه رقابت و بهبود بهره‌وری، کارآیی خدمت این بازارها را برای بازارهای قرض‌الحسنه و انفاق افزایش و در نتیجه این دو بازار را گسترش می‌دهند؛

۲. گسترش بازارهای مالی توان انتخاب سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان را در زمینه‌های گوناگون افزایش می‌دهد که دربرگیرنده قرض‌الحسنه و انفاق نیز هست؛

۳. گسترش بازارهای مالی، محدودیت‌های نقدینگی و سرمایه را کاهش می‌دهد و بازارهای قرض‌الحسنه و انفاق نیز می‌توانند از کاهش محدودیت‌ها بهره‌مند شوند و توسعه یابند؛

۴. گسترش بازارهای بانکی دسترسی مصرف‌کنندگان را به وام‌های مصرفی افزایش می‌دهند. چنانچه مردم بخواهند از این وام‌ها برای کمک به دیگران استفاده کنند، می‌توانند قرض‌الحسنه و انفاق را توسعه دهند؛

۵. گسترش بازارهای بانکی، دسترسی مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران را به وام در هنگام نیاز افزایش می‌دهد و در نتیجه نیاز به پس‌انداز احتیاطی را کاهش می‌دهد. بخشی از این پس‌اندازهای احتیاطی می‌تواند از راه قرض‌الحسنه و انفاق به سوی یاری دیگران برود؛

۶. گسترش بازارهای مالی شفافیت را افزایش و هزینه‌های دسترسی به اطلاعات و هزینه مبادله را کاهش می‌دهد. این بهبود به همه بنگاه‌ها -مانند مؤسسه‌های قرض‌الحسنه و انفاق و کارگزاران این بخش‌ها- نیز یاری می‌رساند و موجب توسعه این دو می‌شود؛

۷. گسترش ابزارهای مالی می‌تواند در زمینه ابزارهای مالی اسلامی در زمینه قرض‌الحسنه و انفاق نیز باشد؛

۸. توسعه بازارهای مالی می‌تواند جریان مالی بین‌المللی را به بازارهای مالی داخلی راهنمایی کند که همه کارگزاران در زمینه‌های مالی و دیگر بخش‌ها را بهره‌مند می‌کند و از این راه می‌تواند قرض‌الحسنه و انفاق را نیز توسعه دهد؛

۹. توسعه بازارهای مالی موجب رشد تولید می‌شود و این رشد افزایش درآمد و دارایی جامعه را در پی دارد. درآمد و دارایی دو عامل اصلی برای گسترش کارکرد مردم برای انفاق و نیز قرض‌الحسنه است و در نتیجه قرض‌الحسنه و انفاق گسترش می‌یابد.

در برابر این آثار مثبت، بازارهای مالی بر بخش قرض‌الحسنه و انفاق، گسترش بازارهای مالی می‌تواند از برخی راه‌ها، قرض‌الحسنه و انفاق را کاهش دهد؛

۱۰. توسعه بازارهای مالی، رقیب‌ها را افزایش می‌دهد و کارایی بازارهای رقیب را بهتر و بازده آنها را بیشتر می‌کند و از این راه می‌تواند پول‌ها و فعالیت‌های مردم را در قرض‌الحسنه و انفاق به سوی بازارهای رقیب ببرد؛

۱۱. گسترش بازارهای بانکی می‌تواند پس‌اندازهای احتیاطی را کاهش دهد که کاهش این پس‌اندازها -که از سوی مردم با ایمان در بخش قرض‌الحسنه نگهداری می‌شود- می‌تواند این بخش را با کاهش عرضه پول و کاهش بازار روبه‌رو کند؛

۱۲. افزایش وام‌های مصرفی در اثر گسترش بازارهای بانکی، بدهی مردم را افزایش می‌دهد که با افزایش بدهی و نیاز به بازپرداخت آن، دارایی مردم برای هزینه در انفاق و قرض‌الحسنه کاهش می‌یابد و این می‌تواند بخش قرض‌الحسنه و انفاق را با کاهش عرضه روبه‌رو کند؛

۱۳. گسترش بازارهای مالی، آنها را با بازارهای بیرون کشور پیوند می‌دهد که اگر بازدهی بازارهای درون کشور پایین باشد، سرمایه‌ها و فعالیت‌ها به سوی بازارهای خارجی می‌روند و این می‌تواند بازارهای قرض‌الحسنه و انفاق را افت دهد. در کنار این با افزایش فشار برای بازپرداخت وام‌ها، وام‌گیرندگان دچار مشکل می‌شوند و در نتیجه، آنها را وامی‌دارد برای حل مشکلات به تقاضای قرض‌الحسنه روی آورند. افزایش تقاضای قرض‌الحسنه توانمندان را به سوی پرداخت قرض‌الحسنه هدایت می‌کند و می‌تواند آن را گسترش دهد.

افزایش قیمت‌ها، گسترش بیکاری، بالا رفتن قیمت مسکن و فشارهای اقتصادی دیگر، نیازهای مالی شهروندان را برای رفع مشکلات خود افزایش می‌دهد و در نتیجه می‌تواند آنها را متقاضی قرض‌الحسنه کند. با افزایش تقاضای اقتصادی قرض‌الحسنه، توانمندان به پرداخت بیشتر قرض‌الحسنه هدایت می‌شوند. همچنین در این هنگام، سازمان‌هایی که در این زمینه فعالیت می‌کنند نیز فعالیت خود را گسترش می‌دهند و سازمان‌های تازه‌ای نیز به آنها افزوده می‌شود.

۴. چارچوب مفهومی، مدل و آزمون‌های اولیه

با نگاه به گفتار نظری پیشین نخست چارچوب مفهومی به دست آمده از این بررسی بیان می‌شود. سپس الگوی تحلیلی برای آن نوشته می‌شود و آنگاه آزمون‌های تشخیصی مدل انجام می‌شود.

۴ــ۱. چارچوب مفهومی

بر اساس آنچه در بخش پیشین آورده شد، می‌توان اثر انتظاری متغیرهای یادشده را بر قرض‌الحسنه در چارچوب مفهومی زیر بیان کرد:

۴ــ۱ــ۱. قرض‌الحسنه

فعالیت‌های قرض‌الحسنه که اطلاعات آنها در آمارگیری از فعالیت‌های قرض‌الحسنه مرکز آمار ایران ثبت شده است فعالیت قرض‌الحسنه رسمی در نظر گرفته می‌شود و ارزش افزوده این فعالیت‌ها ملاک اندازه فعالیت‌های قرض‌الحسنه لحاظ می‌گردد. این داده‌ها بخش اصلی و رسمی فعالیت‌های قرض‌الحسنه کشور فرض می‌شوند و چون داده‌های دیگر در زمینه فعالیت‌های قرض‌الحسنه ناقص است و این داده‌ها کامل‌ترین است و نتیجه سرشماری این فعالیت‌هاست، از داده‌های دیگر استفاده نمی‌شود.

۴ــ۱ــ۲. درآمد

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کمک مالی به دیگران، درآمد است. همچنین برابر آموزه‌های اسلامی مالیات‌ها تابعی فزاینده از درآمدها هستند و بر این اساس انتظار می‌رود با افزایش درآمد، کمک مالی به دیگران افزایش یابد. افزون بر این چون کمک به دیگران است، اشباع شدنی نیز نیست و نمی‌توان برای آن محدودیت در نظر گرفت. پس می‌توان این را گفت که افزایش انفاق با افزایش درآمد رابطه مثبت دارد. در نظریه‌های اقتصادی متغیر تولید ناخالص داخلی هر منطقه‌ای در جایگاه درآمد ناخالص مردم آورده می‌شود و درآمدهای مردم برابر ارزش تولید آنهاست. بر این اساس در این بررسی، متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی استان‌ها (متغیر جایگزین درآمد) که از سوی مرکز آمار ایران هر ساله اندازه‌گیری و منتشر می‌شود، استفاده می‌گردد.

۴ــ۱ــ۳. بازارهای مالی

چنانچه گفتیم بازارهای مالی می‌توانند تسهیل کننده کارهای مالی خیر و خداپسندانه باشند. همچنین این بازارها می‌توانند جانشین کارهای مالی خیر هم باشند. در این بررسی برای برآورد اثر بازار مالی بر اندازه فعالیت‌های قرض‌الحسنه، شاخص ارزش افزوده سه بخش بانک، بیمه و دیگر واسطه‌گری‌های مالی و فعالیت‌های کناری آنها (بازار سرمایه) را شاخص اندازه بازار مالی گرفته‌ایم که نشان دهنده اندازه فعالیت آن است و داده‌های آن از سوی مرکز آمار ایران هر ساله منتشر شده است.

۴ــ۱ــ۴. انفاق

انفاق پولی بدون عوض و قرض‌الحسنه تعریف می‌شود. اگر کسی بخوهد اندازه‌ای از دارایی خود را در راه خدا هزینه کند، چنانچه بخواهد انفاق کند نمی‌تواند همان را به قرض‌الحسنه بدهد. پس این دو جانشین هم به‌شمار می‌آیند. در این مقاله کمک‌های مردمی و صدقه (کمک‌های نقد مردمی، کالا، صدقه، اموال و دیگر)، پول‌های امانی (طرح اکرام، اطعام و افطاریه، هزینه ازدواج و جهیزیه، کفاره عمد و غیرعمد، زکات فطریه عام و سهم سادات، جشن رمضان، امانی ایتام، کمک‌های جشن نیکوکاری، کمک‌های جشن عاطفه‌ها، کمک‌های مردمی به خسارت دیدگان از حوادث طبیعی و دیگر پول‌های امانی) و زکات[1] (از سال ۸۰-۸۶ برای استان‌های کل کشور دربرگیرنده ۲۸ استان) که توسط کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی جمع‌آوری شده، اندازه‌گیری شده است. این داده‌ها در سالنامه آماری کمیته امداد آمده و در جایگاه بخش اصلی انفاق پولی بلاعوض دیده شده است.

۴ــ۱ــ۵. سرمایه دینی

در اینجا نخست تعریفی از سرمایه دینی آورده سپس متغیری برای آن معرفی می‌شود. عزتی و عاقلی (۱۳۸۷) سرمایه دینی را به دو بخش سرمایه مذهبی فردی و سرمایه دینی اجتماعی تقسیم و هریک را این‌گونه معرفی می‌کنند: به مجموعه مذهب انتخابی و اعتقادها، باورها، دانش، تجربه‌ها، ارزش‌ها و عادت‌های حاصل از مشاهده، تجربه و ایمان دینی و یا درباره دین نزد فرد، سرمایه دینی فردی گفته می‌شود. به سخن دیگر این عناصر دینی، شکل‌دهنده و ساختار بخش رفتارهای فرد هستند. این عناصر به‌طور خلاصه عبارتند از: کیفیت دین انتخابی فرد، اعتقادها، باورها، دانش، هنجارها، تجربه‌ها و عادت‌های دینی فردی که انسان را مجبور و تشویق به انجام بیشتر فعالیت‌های توصیه شده دین می‌کنند. سرمایه مذهبی اجتماعی نیز به مجموعه نهادها، کارکردها، قوانین و مقررات، ارزش‌ها، اعتقادها، باورها، هنجارها، دانش، تجربه، نمادها و سمبل‌های برخواسته و شکل‌دهنده ساختار دینی جامعه، سرمایه دینی اجتماعی گفته می‌شود. به سخن دیگر می‌توان گفت مجموعه عناصر شکل‌دهنده ساختار دینی هر جامعه، سرمایه دینی آن جامعه است که این عناصر عبارتند از: کیفیت مذهب حاکم در جامعه (اصول اعتقادی و قوت، دقت و صحت آن)، نهادهای

۱. آمار زکات، تنها برای سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۶ بوده است؛ اما به علت کوچک بودن آمار زکات، نبود آن در سال‌های دیگر نتیجه را تغییر نمی‌دهد (چون با کنار رفتن آمار سال‌های ۸۵ و ۸۶ و تخمین مدل تغییر بسیار ناچیزی در نتیجه ایجاد می‌کند).

دینی جامعه، کارکردهای دینی نهادهای اجتماعی، قوانین و مقررات دینی حاکم در جامعه، اعتقادها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی جامعه، دانش و مهارت‌های دینی جامعه، فضاها، نمادها و سمبل‌های دینی جامعه و مانند اینها که افراد جامعه را وادار و تشویق به انجام بیشتر فعالیت‌های توصیه شده دین می‌کنند.

بر اساس مطالب قبلی سرمایه دینی کارکرد برابر آموزه‌های دینی را افزایش می‌دهد. بر این پایه انتظار است با افزایش سرمایه دینی و گرایش‌های دینی پرداخت قرض‌الحسنه نیز افزایش یابد. چون داده‌های خوبی برای سرمایه دینی در ایران وجود ندارد، ناچار جانشینی -برای آنکه به‌گونه‌ای نشان‌دهنده دینداری و گرایش‌های دینی نیز هست- برمی‌گزینیم که این اثر مهم هم وارد الگو شود. بر این اساس مانند عزتی و عاقلی (۱۳۸۷)، مهاجری (۱۳۹۰) و شهریاری (۱۳۹۱) از متغیر جایگزین مجموعه واحدهای دینی -مانند مسجدها، تکیه‌ها، حسینیه‌ها و مانند اینها را که در آنها تبلیغ و فعالیت‌های دینی انجام می‌شود- استفاده می‌کنیم که می‌تواند نشانه گرایش به دین باشد و در جایگاه متغیر جانشین سرمایه دینی و دینداری وارد الگو می‌کنیم.

۴ــ۱ــ۶. سن سرپرست خانوار

عامل دیگر مؤثر بر کارهای خداپسندانه -جهت دستیابی به پاداش زندگی پس از مرگ- سن است. بر اساس این نظریه هرچه سن بالاتر باشد، مرگ و جهان پس از آن و پاداش زندگی پس از مرگ نزدیک‌تر می‌شود. در نتیجه، انتظار می‌رود با افزایش سن به فعالیت‌های دارای پاداش اخروی مانند قرض‌الحسنه توجه بیشتری شود و این فعالیت‌های افزایش یابد (عزتی، ۱۳۸۲). در این مقاله، میانگین سن سرپرستان خانوار استان‌ها در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ -نتیجه سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران- استفاده می‌شود.

۴ــ۱ــ۷. قیمت مسکن

افزایش قیمت مسکن و فشارهای اقتصادی دیگر مانند بیکاری و تورم، نیازهای مالی شهروندان را افزایش می‌دهد. این نیازها می‌توانند برخی را متقاضی قرض‌الحسنه کنند و برخی را از پرداخت‌کننده بودن بازدارد. همچنین گسترش بازارهای مالی سوداگرانه مانند بازار مسکن و قیمت‌های آن می‌تواند، دو اثر منفی بر بازارهای مالی خوب بگذارد. یکی اینکه در بازارهای مالی سوداگرانه سود بیشتر است و سود بیشتر، می‌تواند سرمایه‌ها را از بازارهای مالی خوب به سوی بازارهای سوداگرانه ببرد. از سوی دیگر گسترش این بازارهای سوداگرانه هزینه‌های مردم را افزایش می‌دهد و افزایش هزینه‌ها، فشار مالی بر مردم را افزایش می‌دهد و این افزایش می‌تواند توان مردم

برای مشارکت در کارهای خیر مانند دادن قرض‌الحسنه را کاهش دهد. بـرای نشـان دادن ایـن آثـار قیمت مسکن در استان‌ها وارد مدل شده است که هر ساله از سوی مرکز آمار ایران بـرآورد و منتشـر می‌شود. بر این اساس در بررسی تجربی ما، فرضیه‌های زیر آزمون می‌شوند:

– افزایش درآمد، اندازه پرداخت و کار خداپسندانه قرض‌الحسنه را افزایش می‌دهد؛
– اندازه بازارهای مالی بر اندازه پرداخت و کار خداپسندانه قرض‌الحسنه اثر مثبت دارد؛
– افزایش سرمایه دینی، اندازه پرداخت و کار خداپسندانه قرض‌الحسنه را افزایش می‌دهد؛
– انفاق مالی، یک کردار خداپسندانه جایگزین برای کار خداپسندانه قرض‌الحسنه است؛
– افزایش سن، اندازه پرداخت و کار خداپسندانه قرض‌الحسنه مردم را افزایش می‌دهد؛
– افزایش قیمت مسکن، اندازه پرداخت و کار خداپسندانه قرض‌الحسنه مردم را کاهش می‌دهد.

۴–۲. مدل و آزمون‌های اولیه

با توجه به مطالب پیشین می‌توان الگوی زیر را در جایگاه الگوی تحلیلی برای برآورد اثر متغیرهای یادشده بر قرض‌الحسنه برآورد کرد:

$$QH=f(GDP, Fi, Rc, En, Ye, Ho)$$

که در آن:

QH اندازه قرض‌الحسنه؛ GDP درآمد؛ Fi بازارهای مالی؛ Rc سرمایه دینی؛ En انفاق مالی؛ Ye سن سرپرست خانوار و Ho قیمت مسکن هستند.

داده‌های این بررسی آمار سالانه استان‌های کشـور در دوره زمـانی ۱۳۸۱–۱۳۹۱ اسـت. چـون استان خراسان در سال ۱۳۸۳ به سه استان تقسیم شده و داده‌های این سال و دو سـال پـیش و بـرای برخی متغیرها داده‌های یک سال پس از آن نیز برای این سـه اسـتان نبـوده اسـت، ایـن سـه اسـتان به‌عنوان یک استان دیده شد؛ پس در مجموع داده‌های ۲۸ استان بررسی شده است.

۴–۳. آزمون‌های تشخیصی

۴–۳–۱. آزمون تشخیص مدل (F لیمر)

گام نخست برای برآوردهای پانل دیتا، نخست باید مشخص شـود کـه رابطـه رگرسـیونی در نمونـه بررسی، دارای عرض از مبدأهای ناهمگن و شیب همگن است یا اینکه فرضیه عـرض از مبـدأهای مشترک و شیب مشترک در میان مقاطع (مدل داده‌های تلفیقی) پذیرفتـه مـی‌شـود. بـرای ایـن کـار آزمون F لیمر به کار برده می‌شود. آماره F به دست آمده ۲۲ است که بیـانگر نـاهمگنی مقـاطع در سطح ۹۹ درصد اطمینان و خوب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل است.

۴ــ۳ــ۲. آزمون ریشه واحد

چون داده‌های ما سری زمانی-مقطعی (۱۳۸۴-۱۳۹۱) است و سری زمانی آن تنها برای ۸ سال است، نیاز به بررسی مانایی و نامانایی داده‌ها وجود ندارد.[۱]

۴ــ۳ــ۳. آزمون هم‌انباشتگی (هم‌جمعی)

در اینجا برای بررسی هم‌انباشتگی داده‌ها، آزمون هم‌انباشتگی کاو بر پایه انگل و گرانجر به کار برده می‌شود.[۲] آماره به دست آمده برای این آزمون ۲/۲۴۵ است که فرضیه نبودن رابطه هم‌جمعی میان متغیرها رد می‌شود. بر این اساس، میان متغیرها ارتباط بلندمدت وجود دارد؛ لذا برای بررسی اندازه و چگونگی این رابطه باید از روش‌های برآورد رابطه استفاده کرد.

۴ــ۳ــ۴. آزمون H هاسمن

آزمون هاسمن برای تشخیص خوبی الگوی اثر ثابت یا اثر تصادفی به کار گرفته می‌شود. آماره این آزمون برابر ۱۲/۴۱ به دست آمده است. بر پایه این آزمون، فرضیه به‌کارگیری مدل با اثر تصادفی پذیرفته نمی‌شود و باید مدل با اثر ثابت به کار برده شود.

۵. برآورد الگو

براساس مطالب پیشین برای بررسی اثر بازارهای مالی بر قرض‌الحسنه دو الگو یکی خطی و دیگری لگاریتمی پایه برآورد در نظر گرفته می‌شود. متغیرهای اصلی ما در این الگوها اندازه ارزش افزوده کارهای قرض‌الحسنه (QH) متغیر وابسته، همراه با متغیرهای ارزش تولید ناخالص داخلی (GDP)، اندازه بازارهای مالی (F_i)، انفاق مالی (EN)، قیمت مسکن (HO)، سرمایه دینی (RC) و میانگین سن سرپرست خانوار (ye) به‌عنوان متغیرهای مستقل است. الگوی پایه چنین است:

$$QH = \alpha + \beta_1(GDP) + \beta_2(Fi) + \beta_3(Rc) + \beta_4(EN)\beta_5(yE) + \beta_6(HO)$$

این الگو به شکل خطی و لگاریتمی دوطرفه برآورد می‌شود. نخست همه متغیرها وارد الگو شده و برآوردی برای آنها انجام می‌شود که نتیجه آنها در دو جدول یکی برآوردهای خطی و دیگری لگاریتمی آورده شده است.

---

۱. مانایی داده‌ها برای دوره‌های زمانی بلند مانند ۱۵ دوره و بیشتر رخ می‌دهد و بررسی مسئله ریشه واحد متغیرها برای داده‌های سری زمانی کوتاه، نیاز نیست (بالتاگی، ۲۰۰۵، ص۲۴۸).

۲. برای بررسی هم‌انباشتگی داده‌های پنل، می‌توان از روش‌های پدرونی بر پایه انگل و گرانجر، کاو بر پایه انگل و گرانجر یا فیشر استفاده کرد.

جدول ۱: نتیجه برآورد الگوهای خطی

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
متغیر وابسته	QH	QH	QH	QH	QH
عرض از مبدأ	-۸۵۴۹۸٫۷ (-۲٫۷۹)	-۱۲۲۳۰۵٫۲ (-۳٫۸۵)	-۱۵۰۹۳۱٫۱ (-۴٫۹۰)	-۳۷۲۹٫۲ (-۲٫۷۶)	
PGDP	۸۵۹٫۹ (۴٫۷۸)	۵۵۱٫۲۴ (۳٫۵۶)	۸۳۳٫۴ (۸٫۵۴)	۶۴۵٫۳ (۳٫۶۲)	
Fi	۰٫۰۰۵۹ (۸٫۶۹)	۰٫۰۰۶۳ (۸٫۸۸)	۰٫۰۰۷۲ (۱۰٫۶۴)	۰٫۰۰۶۲ (۹٫۴۷)	۰٫۰۰۷۱ (۲۶٫۹۶)
RCa	۳٫۴۷۴ (۶٫۲۳)	۳٫۵۴۲ (۵٫۹۲)	۴٫۴۹۰ (۸٫۳۶)		
Ye	۱۸۲۷٫۱ (۲٫۴۵)	۲۶۹۸٫۲ (۳٫۴۹)	۳۳۳۴٫۷ (۴٫۴۲)		
En	۰٫۰۰۰۲۲ (۴٫۰۲)	۰٫۰۰۰۱۵ (۲٫۹۰)		۰٫۰۰۰۱۹ (۴٫۱۱)	
Ho	-۲٫۹۹ (-۳٫۹۶)			-۲٫۳۳۹ (-۳٫۳۸)	
R^2	۰٫۷۴۵	۰٫۷۳۰	۰٫۷۲۱	۰٫۶۱	۰٫۶۸
F S	۹۳٫۸۸	۱۰۴٫۸	۱۳۱٫۳	۷۶٫۵	
D W	۰٫۳۲	۰٫۲۳	۰٫۲۳	۰٫۳۰	۰٫۳۳

جدول ۲: نتیجه برآورد الگوهای لگاریتمی

متغیرها	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸	مدل ۹	مدل ۱۰
متغیر وابسته	LOGQH	LOGQH	LOGQH	LOGQH	LOGQH
عرض از مبدأ	-۲۴٫۷۲ (-۳٫۴۶)	-۲۸٫۱۲ (-۴٫۱۴)	-۲۵٫۵۲ (-۳٫۸۵)	-۷٫۳۵۸ (-۱۲٫۶۲)	-۹٫۳۶۳ (-۱۵٫۲۲)
LOGPGDP	۱٫۲۴۶ (۸٫۷۸)	۱٫۱۶۶ (۸٫۸۰)	۱٫۲۲۷ (۱۲٫۷۷)	۰٫۷۸۲ (۸٫۹۵)	
LOGFi	۰٫۳۴۹ (۴٫۱۸)	۰٫۳۴۳ (۴٫۱۱)	۰٫۵۶۰ (۸٫۱۶)	۱٫۰۲۴ (۱۸٫۸۲)	۱٫۳۳۴ (۲۸٫۲۳)
LOGRCa	۰٫۶۹۲ (۹٫۵۲)	۰٫۷۰۳ (۹٫۶۵)	۰٫۶۳۸ (۹٫۸۴)		
LOGYe	۳٫۹۸۳ (۲٫۱۲)	۴٫۸۲۹ (۲٫۶۸)	۴٫۹۲۶ (۲٫۷۴)		
LOGEn	۰٫۳۷۵ (۳٫۷۹)	۰٫۳۲۵ (۳٫۴۳)			
LOGHo	-۰٫۱۷۱ (-۱٫۴۶۵)				
R^2	۰۸۹۹	۰٫۸۹۸	۰٫۹۰۱	۰٫۸۴۸	۰٫۷۰۲
F S	۲۸۶٫۳	۳۴۰٫۸	۴۶۲٫۳	۵۷۲٫۱	۷۹۷٫۰
D W	۰٫۱۸	۰٫۱۴	۰٫۱۳	۰٫۱۴	۰٫۱۵

۶. تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری

برآوردها نشان می‌دهند اثر همه متغیرهای واردشده در الگو بر فعالیت‌های قرض‌الحسنه معنادار است. با افزایش تولید ناخالص داخلی استان، فعالیت‌های قرض‌الحسنه نیز افزایش یافته است. گسترش بازارهای مالی نیز بر گسترش فعالیت‌های قرض‌الحسنه اثر مثبت داشته که نشان می‌دهد فعالیت‌های قرض‌الحسنه جایگزین دیگر بازارهای مالی نبوده است؛ ولی اثر مثبت از آنها پذیرفته است.

سرمایه دینی نیز بر فعالیت‌های قرض‌الحسنه اثر مثبت داشته است. بر این معنا که با گسترش دین، فعالیت‌های قرض‌الحسنه نیز افزایش می‌یابد. دینی بودن نهاد قرض‌الحسنه، این انتظار را فراهم می‌کند که با گسترش دین، فعالیت‌های قرض‌الحسنه افزایش یابد.

انفاق و قرض‌الحسنه پرداخت در راه خدا هستند. می‌توان انتظار داشت که این دو برای به دست آوردن رضایت خدا و پاداش جانشین هم باشند. اما از سوی دیگر می‌توان انتظار داشت چون هر دوی آنها با گسترش دین افزایش می‌یابند، هر دو در اثر عامل دین کارکرد هماهنگی نیز داشته باشند. نتیجه برآورد نشان دهنده رابطه مثبت میان انفاق و قرض‌الحسنه است که ویژگی دوم را نشان می‌دهد. یعنی این دو با هم هماهنگ هستند و می‌توانند از دین اثر مثبت بپذیرند و یا اینکه نتیجه بگیریم انفاق بیشتر که یک کار نیک است، عامل تحریک کار نیک دیگر مانند قرض‌الحسنه نیز هست.

چنانچه در نظریه گفته شد، بازارهای مالی سوداگرانه مانند مسکن می‌توانند از چند راه بر قرض‌الحسنه اثر بگذارند. یک بخش از آن، انتظار اثر مثبت و بخش دیگر اثر منفی را نشان می‌دهد. در اینجا نتیجه برآورد نشان دهنده اثر منفی است. یعنی بازارهای مالی سوداگرانه مانند مسکن بر هزینه‌های مردم فشار می‌آورند و کارهای نیک و خداپسندانه مانند پرداخت قرض‌الحسنه را کاهش می‌دهند. بر اساس این نظریه، میانگین سن سرپرست خانوار در جامعه نیز باید بر قرض‌الحسنه اثر مثبت داشته باشد که این اثر در برآورد نشان داده شده است.

از دیدگاه برازندگی مدل نیز R^2 مدل ۷۴/۵ درصد و آماره F آن ۹۳ است که نشان دهنده برازندگی خوبی برای یک مدل با داده‌های ترکیبی است.

برای بررسی اینکه اگر برخی متغیرها از مدل برآورد شده کنار گذاشته شوند آیا باز هم بازارهای مالی بر قرض‌الحسنه اثر مثبت را نشان می‌دهند؟ یک بار متغیر بازار مسکن از مدل حذف شد تا اثر بازار سوداگرانه کنار گذاشته شود. (مدل ۲) در این مدل نیز ضریب متغیرهای مدل، معنادار و فقط ۱/۵ درصد از R^2 کاهش یافته است. یعنی هم بازار مسکن در توضیح‌دهندگی مدل معنادار است و هم متغیر اخلال‌گری برای مدل نیست. در مدل ۳ یک بار نیز هر دو متغیرهای انفاق و بازار مسکن از مدل خارج شد تا دو متغیر مالی دیگر کنار بروند و تنها متغیر بازارهای مالی همراه

۳ متغیر غیرمالی در مدل بمانند که در این مدل نیز ضریب متغیرها معنادار و تنها توضیح‌دهندگی ۱ درصد کاهش یافته است. این به آن معناست که حذف بازارهای انفاق و مسکن در توضیح‌دهندگی تغییرات متغیر وابسته (قرض‌الحسنه) تنها ۲/۵ درصد اثر داشته است.

برای بررسی اثر متغیرهای دینی سرمایه دینی و سن سرپرست خانوار یک بار هم این دو متغیر از مدل کنار گذاشته شدند و متغیرهای مالی همراه تولید ناخالص داخلی در مدل باقی ماندند. برآورد (مدل ۴) نشان می‌دهد که متغیرها معنادار هستند. اما در این حالت R^2 به ۰/۶۱ رسیده یعنی ۱۳/۵ درصد کمتر از مدل پایه است. این تغییر نشان دهنده اهمیت نسبی دین در این اثرگذاری است.

با حذف همه متغیرها و تنها وارد کردن متغیر بازارهای مالی نیز مدل معنادار است و نشان می‌دهد که گسترش بازارهای مالی بر گسترش کارهای قرض‌الحسنه اثر مثبت و معنادار دارد. توضیح‌دهندگی مدل نیز ۰/۶۸ است که خوب می‌باشد.

برای بررسی بهتر چگونگی اثرگذاری این متغیرها بر اندازه کارهای قرض‌الحسنه مدل لگاریتمی ساخته شد و مدل با همه این متغیرها برآورد شد (مدل ۶). نتیجه رگرسیون نشان می‌دهد R^2 مدل افزایش یافته و به نزدیک ۹۰ درصد رسیده است. آماره F نیز افزایش یافته است.

ضریب‌ها مانند مدل خطی هستند و تنها اندکی سطح اعتماد آنها تغییر کرده است. برای نشان دادن بهتر اثر یک بار متغیر قیمت مسکن (بازار مسکن) از مدل کنار گذاشته شد که (مدل ۷) نتیجه نشان می‌دهد توضیح‌دهندگی مدل تغییر چندانی نکرده است و ضریب همه متغیرها نیز معنادار است. بار دیگر دو متغیر مالی انفاق و بازار مسکن کنار گذاشته شد (مدل ۸)، این بار نیز ضریب‌های همه متغیرهای دیگر معنادار هستند. با حذف متغیرهای سرمایه دینی و سن، متغیرهای دیگر معنادار نشدند؛ اما با حذف همه متغیرها و تنها باقی‌ماندن متغیرهای تولید ناخالص داخلی و بازار مالی (مدل ۹) و نیز با وارد کردن تنها متغیر بازارهای مالی (مدل ۱۰) ضریب متغیرها معنادار هستند؛ اما در این دو گزینه R^2 بسیار کاهش یافته است.

بر این اساس برآوردها نشان می‌دهد بازارهای مالی بر فعالیت‌های قرض‌الحسنه اثر تسهیل‌کنندگی و گسترش‌دهندگی دارند و جانشین آن به‌شمار نمی‌آیند. گسترش بانک‌ها و بازار سرمایه به علت‌های گوناگون موجب افزایش کار خداپسندانه قرض‌الحسنه می‌شود.

همچنین سرمایه دینی و سن سرپرست خانوار نیز اثر مثبت بر فعالیت‌های قرض‌الحسنه دارد. به سخن دیگر عواملی که از دیدگاه نظریه‌های دینی می‌توانند بر قرض‌الحسنه اثر مثبت داشت باشند اثر مثبت دارند. افزون بر این، انفاق (پرداخت بدون بازپس‌دادن) که می‌تواند برای به دست آوردن رضایت خدا یک فعالیت جانشین به‌شمار آید، در اینجا اثر منفی بر قرض‌الحسنه نداشته است و نمی‌توان این اثر را برای آن پذیرفت.

در برابر اینها فشارهای اقتصادی مانند افزایش قیمت مسکن که خود نشان از کارهای سوداگرانه نیز هست بر اندازه بازارهای قرض‌الحسنه اثر منفی دارد. یعنی فشارهای اقتصادی و افزایش نیازهای مردم (مانند مسکن) می‌تواند آنها را از دادن قرض‌الحسنه باز دارد.

در بررسی اندازه اثرگذاری ضریب متغیرها بر گسترش بازار قرض‌الحسنه می‌توان گفت (بر پایه مدل ۶) یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی ۰/۳۵ درصد بـازار قرض‌الحسـنه را گسـترش می‌دهد. همچنین یک درصد گسترش بازارهای مالی می‌تواند ۰/۷۵ درصـد بـازار قرض‌الحسـنه را گسترش دهد.

در کنار اینها یک درصد گسترش نهادهای دینی در جامعـه، ۰/۶۹ درصـد بـازار قرض‌الحسـنه را گسترش می‌دهد. همچنین یک درصد افزایش در اندازه انفاق‌های دیگر جامعه، می‌تواند ۰/۳۷ درصد بازار قرض‌الحسنه را گسترش دهد؛ ولی مهم‌تر اینکه یک درصد افزایش سن سرپرست خانوار نزدیـک به ۴ درصد بازار قرض‌الحسنه را گسترش می‌دهد. این نکته اهمیـت بیشـتر قرض‌الحسـنه در جایگـاه یک فعالیت دینی را نشان می‌دهد که مردم در سن بالاتر به آن روی می‌آورند.

در برابر اینها افزایش قیمت مسکن که می‌تواند در جایگاه گسترش بازارهای سوداگرانه و یا فشار اقتصادی به مردم دیده شود، بر بازار قرض‌الحسنه اثر منفی دارد و آن را کاهش می‌دهد. یک درصـد افزایش قیمت مسکن، ۰/۱۷ درصد بازار قرض‌الحسنه را کوچک می‌کند.

بر این اساس، رونق اقتصادی در چارچوب افزایش تولید و گسـترش بازارهـای دیگـر همچنـین گسـترش دیـن، بـر قرض‌الحسـنه اثـر مثبـت دارد و قیمـت‌هـای بـازار مسـکن بـر گسـترش بـازار قرض‌الحسنه اثر منفی دارد. پس برای گسـترش بازارهـای قرض‌الحسـنه مـی‌تـوان از دو راه اصـلی گسترش تولید و کارهای اقتصادی که خود هدف پایه‌ای است و نیز گسترش دین و نهادهـای دینـی یاری جست. همچنین سیاست‌های کاهش تورم، به‌ویژه در بخش‌های اثرگذار بـر بودجـه خـانوار، می‌تواند به افزایش فعالیت‌های خداپسندانه مانند قرض‌الحسنه یاری کند.

۷. جمع‌بندی

بازارهای مالی اثر تسهیل‌کنندگی بر گسترش کارهای خداپسندانه مانند قرض‌الحسنه دارنـد. افـزون بر این، گسترش سرمایه و نهادهای دینی نیز می‌تواند اثر بسیار مهمی در این فعالیت داشـته باشـد. انفاق که یک کار خداپسندانه مالی مانند قرض‌الحسنه اسـت، در اینجـا جـایگزین قـرض‌الحسـنه نیست. به سخن دیگر چنانچه مردم یک کار خداپسندانه انجـام دادنـد، از کـار خداپسـندانه دیگـر خودداری نمـی‌کننـد. بـه سـخن فنـی اینهـا دو کـالای جانشـین نیسـتند. در کنـار اینهـا، سـن بـر قرض‌الحسنه اثر مثبت دارد که می‌تواند در کنار اثـر مثبـت سـرمایه و نهادهـای دینـی، نشـانه‌ای از

رویکرد دینی مردم ایران به آن باشد. در برابر اینها، بازارهای سوداگرانه و نیز افزایش قیمت‌ها کـه در اینجا یک متغیر جایگزین برای آن آورده شده است، بر روی گسترش فعالیت‌های قرض‌الحسنه اثـر منفی دارد.

بر این اساس چنانچه هدف گسترش کردارهای خداپسندانه در کشور باشد، می‌تـوان بـا بهبـود سیاست‌ها در زمینه گسترش کارهای اقتصادی سالم، بهبود سرمایه دینی و نهادهای دینـی، بـه ایـن هدف رسید. نابسامانی‌های اقتصادی به‌ویژه تورم، مـانع افـزایش کارهـای خداپسـندانه اسـت. بـا نگاهی به ادبیات علمی در این زمینه و یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی، کردارهای خداپسندانه را افزایش می‌دهد. پس هر سیاستی که متغیرهای دینی، اقتصادی و اجتماعی را به سوی نابسامانی ببرد، می‌تواند کردارهای خداپسندانه را کـاهش و هـر بهبـودی در این متغیرها، کردارهای خداپسندانه را گسترش دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۱)، قرض‌الحسنه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲. ابریشمی، حمید و محسن رحیم‌زاده نامور (۱۳۸۵)، «عوامل تعیین کننده پس‌انداز خصوصی با تأکید بر عملکرد بازارهای مالی در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش۷۳.

۳. ابونوری، اسماعیل و افسانه قاسمی‌تازه‌آبادی (۱۳۸۶)، «ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد با استفاده از داده‌های پانل بین استانی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۸.

۴. اثنی عشری، ابوالقاسم و محمدرضا بابایی سمیرمی (۱۳۸۸)، «برآورد تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های ایران»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال هفدهم، ش۵۱، ص۹۳-۱۰۴.

۵. اسلامی، زهرا (۱۳۷۵)، بررسی عملکرد سیستم بانکی و صندوق‌های قرض‌الحسنه در خصوص سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه ۷۳-۱۳۶۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم بانکداری، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۶. تقوی، مهدی و سینا نعمتی‌زاده (۱۳۸۳)، «اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران»، مجله پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳.

۷. توتونچیان، ایرج (۱۳۶۳)، تئوری تقاضا و تحلیل اقتصادی انفاق، تهران: مرکز اطلاعات فنی ایران.

۸. ثامنی‌کیوانی، فرشاد (۱۳۷۷)، محاسبه ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۹. حبیبیان‌نقیبی، مجید (۱۳۸۲)، قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.

۱۰. حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۳)، «قرض‌الحسنه: نگرشی تفسیری-روایی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۱۶، ص۱۱-۳۴.

۱۱. حسن‌زاده، علی و مهین دخت کاظمی (۱۳۸۳)، «صندوق‌های قرض‌الحسنه: ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار کشور»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۱۶، ص۵۷-۷۵.

۱۲. ختایی و سیفی‌پور (۱۳۸۴)، «بازار مالی دوبخشی و اثر آن بر سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش۲۳، ص۵۳-۷۶.

۱۳. داوودی، پرویز و اکبر شاهمرادی (۱۳۸۳)، «بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش۲۰، ص۸۱-۱۱۳.
۱۴. سبحانی، حسن و وحید مهربانی (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها در ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۲۷، ص۲۳-۴۴.
۱۵. سهیلی، کیومرث؛ مجتبی الماسی و الهام لرستانی (۱۳۸۸)، «مقایسهٔ کارایی عقد قرض‌الحسنه و عقود مشارکتی در بانکداری بدون ربا به روش تحلیل پوششی داده‌ها، مطالعه موردی بانک ملت استان کرمانشاه»، دو فصلنامهٔ علمی-تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی- سال دوم، شماره دوم، ص۷۱-۹۴.
۱۶. شهریاری، لیلا (۱۳۹۱) «اثر سرمایه مذهبی بر امید به زندگی»، هشتمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. شفیعی، سعیده و محمدحسن صبوری دیلمی (۱۳۸۸)، «بررسی میزان اثرپذیری متغیرهای کلان اقتصاد ایران از بحران مالی جهانی»، بررسی‌های بازرگانی، ش۳۹، ص۲-۱۶.
۱۸. صادقی، حسین؛ مرتضی عزتی و علی شفیعی (۱۳۹۲)، «برآورد تابع انفاق در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۱۳، ش۲، ص۶۱-۸۴.
۱۹. صدر، سیدکاظم (۱۳۸۴)، «محاسبه هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۱۹.
۲۰. صدربافقی، محمدرضا (۱۳۷۹)، بررسی تأثیر صادرات بر روی برخی از متغیرهای کلان اقتصادی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و فنون مازندران.
۲۱. صفوی، بیژن (۱۳۸۴)، «اثر متغیرهای تجارت خارجی بر رشد بهره‌وری عوامل تولید در صنایع استان تهران با تأکید بر توسعه صادرات»، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره ۲، ش۳.
۲۲. صمدی، سعید؛ خدیجه نصرالهی و مرتضی کرمعلیان سیچانی (پاییز ۱۳۸۶)، «بررسی رابطه بین توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره سوم.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۲۴. طیبی، کمیل (۱۳۸۳)، «بررسی تحولات صندوق‌های قرض‌الحسنه استان اصفهان»، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری.

۲۵. عرب مازار، عباس (۱۳۸۵)، «اندیشه و جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۲۲.
۲۶. عزتی، مرتضی (آذر ۱۳۹۰)، «اثر سرمایه مذهبی بر توسعه فعالیت‌های قرض‌الحسنه در کشور»، همایش نقش بانکداری اسلامی در تأمین مالی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۷. عزتی، مرتضی (۱۳۸۲)، «اثر ایمان مذهبی بر رفتار مصرف‌کننده»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۱۱، ص۲.
۲۸. عزتی، مرتضی (تابستان ۱۳۸۴)، «تخمین تابع مخارج مذهبی (مخارج در راه خدا) مسلمان»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۱۸، ص۸۹-۱۱۲.
۲۹. عزتی، مرتضی (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر استفاده افراد از پول برای کسب سود یا اعطای قرض‌الحسنه (بررسی تجربی شهروندان دارای شغل آزاد در شهر تهران)»، فصلنامه دین و اقتصاد، سال دو، ش۲ و ۳، ص۲۲-۴۲.
۳۰. عزتی، مرتضی (۱۳۸۸)، «اثر سرمایه مذهبی بر مصرف»، مجموعه مقالات اصلاح الگوی مصرف، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۱. عزتی، مرتضی و علی شفیعی (۱۳۹۱)، «برآورد اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق در ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۴۶، ص۶۳-۹۲.
۳۲. عزتی، مرتضی و لطفعلی عاقلی (۱۳۸۷)، «سرمایه مذهبی: ماهیت، عناصر تشکیل و آثار آن»، اولین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۳. عزتی، مرتضی و محدثه نجفی (۱۳۹۱)، «اثر سرمایه مذهبی و اقتصاد دانایی محور بر گسترش فعالیت‌های بازار قرض‌الحسنه در ایران»، هفتمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۴. عزتی، مرتضی و پروانه نورمحمدلو (۱۳۹۱)، «در بررسی اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش۶۳، ص۱۳۳-۱۵۴.
۳۵. عزتی، مرتضی و لیلا شهریاری (۱۳۹۱)، «ارزیابی عملکرد کمیته امداد امام خمینی رحمه‌الله در زمینه جمع‌آوری زکات»، پنجمین همایش مالیات‌های اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۶. عصاری آرانی، عباس؛ علیرضا ناصری و مجید آقایی خوندابی (۱۳۸۸)، «تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری در کشورهای عضو اوپک (OPEC)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار)، سال نهم، ش۳، ص۲۹-۵۱.
۳۷. عصاری، عباس؛ علیرضا ناصری و مجید آقایی خوندابی (۱۳۸۷)، «توسعه مالی و رشد اقتصادی: مقایسه کشورهای نفتی عضو اوپک و غیرنفتی درحال توسعه با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته تحقیقات اقتصادی»، ش۸۲، ص۱۴۱.

۳۸. فخر حسینی، سیدفخرالدین و علی شهابی (۱۳۸۶)، «بررسی اثر توسعه بازار بورس بر رشد اقتصادی در ایران»، پژوهشنامه علوم اقتصادی، ش۲۴، ص۸۱-۹۶.
۳۹. فیوضات، ابراهیم و مهدی مهدوی (۱۳۸۵)، «دولت و تشکل‌های مردمی با مروری بر دو تجربه تعاونی‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ص۸۳-۱۰۴.
۴۰. کمیجانی، اکبر و ناهید پوررستمی (۱۳۸۷)، «تأثیر سرکوب مالی بر رشد اقتصادی (مقایسه اقتصادهای کمتر توسعه یافته و نوظهور)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش۳۷، ص۳۱-۵۱.
۴۱. کیاءالحسینی، سیدضیاءالدین (۱۳۷۹)، «برآورد تابع هزینه‌های مذهبی متوسط یک خانوار شهری در ایران»، نامه مفید، ش۹.
۴۲. کیاءالحسینی، سیدضیاءالدین (۱۳۸۹)، «برآورد تابع هزینه‌های مذهبی متوسط یک خانوار شهری در ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۳۵، ص۱۳۳-۱۶۰.
۴۳. کیاءالحسینی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۷)، «نقش زکات فطره در فقرزدایی (مطالعه موردی: ایران ۱۳۷۰-۱۳۸۵)»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۳۱، ص۱۳۳-۱۶۰.
۴۴. کیاءالحسینی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۵)، «نقش خمس و زکات در فقرزدایی و مقایسه آن با درآمدهای مالیاتی ایران»، پژوهشنامه مالیات، پیش شماره ۲، ص۴۹-۷۱.
۴۵. موسایی، میثم و حسین کرمی (۱۳۸۷)، «نقش خمس در رفع فقر در شهر شال قزوین»، راهبرد توسعه، ش۱۶، ص۹۴-۱۱۹.
۴۶. محمودیان، مهرداد (۱۳۹۲)، بررسی اثر سرمایه مذهبی بر کاهش فقر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اقتصادی.
۴۷. مصلایی پوریزدی، عباس (۱۳۹۰)، «تأثیرات اخلاقی انفاق در قرآن کریم و حدیث»، مجموعه مقالات پنجمین همایش امام خمینی(ره)، کمیته امداد امام خمینی.
۴۸. موسایی، میثم (۱۳۸۷)، «جایگاه انفاق و خاستگاه اجتماعی-اقتصادی آن در شهر بهبهان»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۳۰، ص۳۹-۶۸.
۴۹. مهاجری، مهدی (۱۳۹۰)، برآورد اثر سرمایه مذهبی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۵۰. مهدوی، روح‌الله؛ اسفندیار جهانگرد و محمود ختائی (۱۳۸۹)، «تأثیر توسعه بازار مالی در تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای میزبان با استفاده از روش داده‌های تابلویی»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، سال ۱، ش۲، ص۲۱-۴۱.

۵۱. مهدوی، رحمان و روح‌الله مهدوی (۱۳۸۷)، «تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه بازار مالی بر رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ش۱٤، ص۱۲۹-۱۴۷.

۵۲. مهرآرا، محسن و حسین طلاکش نایینی (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با روش داده های تلفیقی پویا (۱۹۷۹-۲۰۰۳)»، مجله دانش و توسعه، سال شانزدهم، ش۲۶، ص۱۴۳.

۵۳. مهرگان، نادر و حسن دلیری (۱۳۸۹ الف)، «نقش سرمایه مذهبی (اخلاق) در توسعه اقتصادی»، راهبرد یاس، ش۲۱، ص۱۱۹-۱۴۱.

۵۴. مهرگان، نادر و حسن دلیری (۱۳۸۹ ب)، «سرمایه اجتماعی یا سرمایه مذهبی، کدام یک برای اقتصاد مطلوب‌ترند»، معرفت اقتصادی، سال اول، شماره دوم، ص۵۱-۷۲.

۵۵. نوری طبرسی، حسین (۱۳۶۶)، مستدرک الوسایل، قم: موسسه آل البیت.

۵۶. نهج‌الفصاحه (۱۳۷۷)، گردآورنده و مترجم ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران: جاویدان.

57. Al Sharkas, Adel (2004), "Thwe dynamic relationships between macroeconomic factors and the Jordanian stock market", *international journal of econometrics and quantitative studies*, Vol.1-1.

58. Baltagi, Badi H. (2005), *Econometric Analysis of Panel Data*, Third Edition John Wiley & Soons Ltd.

59. Bandiera, O. Caprio & G. Honohan, P and Sohiantarelli, F. (May 2000), "Does Financial Reform Raise or Reduce Saving?", *Review of Economics and Statistics*, 82 (2).

60. Bendjilali, Boualem (1995), "on the demand for consumer credit: An Islamic setting", *Islamic Development Bank* Letters, Vol. 107, Issue 2, PP. 211-213

61. Beck,T, Levine, R, Loayza, N, (2000), "Finance and the Sours of Growth", *Journal of Financial Economics*, 58, PP.261-300.

62. Beck, T, Levin, King, Loayza (2000), "Financial Intermediation and Growth: Causality and Causes", *Journal of Monetary Economic*, Vol.46, PP.31-773.

63. Beck, T & Levine, R. (2002), "Industry Growth and Capital Allocation: Does Having a Market-or Bank-base System Matter?", *Journal of Financial Economics*, 64, PP.147-180.

64. Chien-Chiang Lee, Chun-Ping Chang (2009), "FDI, financial development, and economic growth: international evidence", *Journal of Applied Economics*, Vol. 12, Issue 2, PP. 249-271.

65. Chuah,L.H.and Thai,Van-Can (2004), "Financial Development and Economic Growth: Evidence from Causility Tests for GCC Conutries", *IMF Working paper* ,No. XX.
66. Demetrides, P. and Andrianova (2004), *Finance and Growth: What We Know and What We Need to Know, Financial Development and Economic Growth: Explaining the Links*, Palgrave Macmillan, pp. 38-65.
67. Giovanni, Alberto, And de Melo, Martha (1993),."Government Revenue from Financial Repression", *American Economic Review*, Sep, Vol. 83, No.4, PP. 953-963.
68. Goldsmith, R. W, (1957), *Financial Structure and Development* ,Yell University, New Haven Ct,.
69. Hermes, N., & Lensink, A. (2003), "foreign direct investment, financial development and economic growth", *Journal of Development Studies*, 140, PP.142-163.
70. Kelly, R and Mavrotas, G. (2003a), *Savings and Financial Sector Development: Panel Co integration Evidence from Africa*, WIDER, United Nations University.
71. Kelly, R and Mavrotas, G (2003b), *Financial Sector Development Futile or Fruitful an Examination of the Determinants of savings in Srilanka*, WIDER, United Nations University.
72. Khalatbari, F. and Jalali-Naini, A.R. (2003), *Financial Markets and Growth in Iran*, paper presented for GRP, GDN, www.erf.org.eg/html/grp_list%.
73. King, R. and Levine, R. (1993a), "Finance and Growth: Schumpeter Might Be Right", *Quarterly Journal of Economics*, pp. 717-737.
74. King, Robert G. and Levine, L. (1993b), "Finance, Entrepreneurship, and Growth: Theory and Evidence", *Journal of monetary Economics*, Vol.32, pp. 513-542.
75. Levine, R, (2002), "Bank-Based or Market-Based Financial Systems: Which is Better?", *Journal of Financial Intermediation*, 11, PP.398-428.
76. Levine, Ross (2003), "Finance and Growth: Theory, Evidence, and Mechanisms", *http://info.worldbank.org/etools/docs/library/155468/ finsecissues2003/pdf/financeandgrowth.pdf*

77. Levine, Ross and Loayza, Norman and Thorsten, Beck. (2000), "Financial Intermediation and Growth: Causality and Causes", *Journal of Monetary Economics*,Vol.46. pp. 31-77.
78. Levine, R, and Renelt, David (1992), "A Sensitivity Analysis of Cross-Country Growth Regressions", *Amer. Econ. Rev*. Vol.82(4), PP.942-63.
79. Liu, W, C, H, C, (2006), "the Role of Financial Development in Economic Growth: The Experiences of Taiwan, Korea, Taipe", *Tourna of Asian Economics*, 17, PP.667-690.
80. Ljungwall, C. Hister, (2007), *Financial sector development, FDI and economic growth in China*, China Center For Economic Research.
81. Loayza Norman V. and Romain Ranciere (2006), "Financial Development Fragility and Growth", *Journal of Money, Credit and Banking*, (38), PP.1051-76.
82. Lucas, Robert E. (1988), "on the Mechanics of Economic Development", *J. Mon. Econ*, 22 (1), PP.3-42.
83. Nazir, M. S., Nusarat, M. N., & Gilani, U. J. (2010), "Relationship between economic growth and stockmarket development", *African Journal of Business Management*, 4(16), PP.3473-3479.
84. Nieuwerburgh, Stijn Van, Frans Buelens & ludo Cayvers (2006), "Stock Market Development and Economic Growth in Belgium", *Explorations in Economic History*, 43, PP.13-38.
85. Malcolm, Arestic, Edited by Philip. (2006), *A handbook of Alternative Monetary Economics*, Edward Elgar.
86. Mannan, Mohammad A. (1970), "Consumption loan in Islam", *The Islamic Review and Arab Affairs*, Vol. 58.
87. Mc.Kinnon Ronald, I. (1973), *Money and Capital in Economic Development*, WashingtonDC, The Brooking institution.
88. Roubini, Nouriel and Sala-I-Martin, Xavier. (1992), "Financial Repression and Economic Growth", *Journal of Development Economics*, 34. www.Uiowa.edu/ifdebook/faq/faq-docs/emerging-market.Shtml
89. Roubini, Nouriel and Sala-i-Martin, Xavier (1995), "A Growth Model of Inflation, Tax, and Financial Repression", *Journal of Monetary Economic*, Vol. 35, No. 2, PP. 275-301.

90. Schumpeter, j. A. (1912), *Theory Economic Development*, Translated by Reveres Opie, Cambridge, Harvard University Press.
91. Shaw, E, (1973), *Financial Deeping in Economic Development*, New York, Oxford University Press.
92. Stuart, Rogerio (1993), "Financial Repression and Economic Development. Toward a Post Keynesian Alternative", *Review of Political Economy*, Vol. 22, PP. 277-298.
93. Toutounchian, Iraj (1977), *Consumer durables investment and financial cooperatives in the Islamic framework*, PhD. thesis.
94. Wilkes, R. R. and Burnett, J. J. and Howell, R.D. (1986), "On the Meaning and Measurement of Religiosity in Consumer Research", *J. Academic Marketing Science*, Vol. 14, (1) PP. 74-56.
95. Schmidt, K & H. Serven, L (2002), "Financial Liberalization, Saving and Growth", *Conference on Macroeconomic Stability, Financial Markets, and Economic Development*, Mexico, DF, Nov, 12-13.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی